



A Comparative Study on Political Developments in Egypt and Syria Based on Concept of Islamic Awakening

Alireza Kalhor¹
Behzad Ghasemi^{2*}

Received on: 13/04/2022
Accepted on: 28/10/2022

Abstract

The protest movement began in Tunisia in late 2010. It became the pattern of Arab societies' practice and quickly overthrew other Arab countries. These social-political developments, with the disintegration character, led to the overthrow of Hosni Mubarak in Egypt; But in Syria, there is a unique characteristic that did not fit the concepts expressed by Islamic awakening scholars in the Muslim world. Therefore, the necessity to review the developments of these two countries and study their similarities and differences as a research issue was reinforced again. Aimed at a comparative study of the Egyptian -Syrian protest movement, in the structural and institutional changes, the role of scholars and elites and people, violent or peaceful, the interference of the foreigners, and the results, this study has taken into account the question that if the Egyptian protests in comparison to the events of Syria are similar or different on the components of Islamic awakening. The hypothesis of the article states that achieving different results in Syria and Egypt is due to the difference in the components of Islamic awakening. The subject was done using a comparative-comparable study method using valid library and internet resources. The findings based on the conceptual framework of the research indicate that Egyptian developments, due to dictatorship reasons, Mubarak's strong dependence on the West and its relationship with the Zionist regime, have been similar to the indicators of Islamic awakening; Despite the preceding protests and based on the Syrian government independence from the Western-Arab axis and acting on the front of the Zionist regime, Syria has been managed from abroad. As a result, Egyptian developments have been close to the concept of Islamic awakening and its common components; But in Syria, there are a lot of differences with these indicators.

Keywords: Islamic Awakening, Egypt, Syria, Western -Arabic, Resistance Axis.

1. Ph.D Candidate, Department of Regional Studies, Faculty of International Studies, Imam Hossein University. (Email: a.kalhor51@yahoo.com).

2*. Associate Professor, Department of History of the Islamic Revolution, Department of Geopolitics of the Axis of Resistance, Faculty of International Studies, Imam Hussein University. (Corresponding Author: ghasemi.b@ihu.ac.ir)



مطالعه تطبیقی تحولات سیاسی مصر و سوریه بر اساس مفهوم بیداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

علیرضا کلهر^۱

بهزاد قاسمی^{*۲}

چکیده

جنبش اعتراضی که از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی، در کشور تونس آغاز شد. به الگوی عمل جوامع عربی تبدیل شده و به سرعت کشورهای دیگر عربی را نیز درنوردید. این تحولات سیاسی اجتماعی با ویژگی بی‌ثبات‌کنندگی، در کشور مصر به سرنگونی حسنی مبارک انجامید؛ اما در کشور سوریه خصوصیات منحصر به فردی پیدا کرده که با مفاهیم بیان شده توسط اندیشمندان بیداری اسلامی در جهان اسلام، همخوانی نداشت. لذا لزوم بازبینی تحولات این دو کشور و مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های (سلبی و ایجابی) آن‌ها به عنوان مسئله پژوهشی، بار دیگر تقویت شد. مقاله با هدف مطالعه تطبیقی جنبش اعتراضی مصر و سوریه، در تغییرات ساختاری و نهادی، نقش‌آفرینی علما و نخبگان و مردم، خشونت‌گرا یا مسالمت‌آمیز، دخالت اجانب و نتایج حاصل از آن، این سؤال را مورد توجه قرار داده است که: اعتراضات کشور مصر، در مقایسه با رویدادهای سوریه، بر اساس مؤلفه‌های بیداری اسلامی متشابه‌اند یا متفاوت؟ فرضیه مقاله بیان می‌نماید که دست یافتن به نتایج متفاوت در کشورهای سوریه و مصر، ناشی از تفاوت در برخورداری از مؤلفه‌های بیداری اسلامی است. موضوع مزبور با روش مطالعه تطبیقی-مقایسه‌ای و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی معتبر انجام شد. یافته‌های مقاله بر اساس چهارچوب مفهومی پژوهش، بیانگر این است که: تحولات مصر به دلایل دیکتاتوری، وابستگی شدید حکومت مبارک به غرب و رابطه با رژیم صهیونیستی و در شباهت با شاخص‌های بیداری اسلامی بوده است؛ ولی در کشور سوریه با وجود اعتراضات خفته قبلی، بر اساس عدم وابستگی حکومت سوریه به محور غربی-عربی و بازیگری در جبهه تقابل با رژیم صهیونیستی، به نوعی از خارج مدیریت شده است. در نتیجه تحولات مصر با نزدیکی فراوان به مفهوم بیداری اسلامی و مؤلفه‌های مشترک آن بوده است؛ ولیکن در کشور سوریه دارای نقاط افتراق فراوان با این شاخص‌ها است.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، مصر، سوریه، محور غربی - عربی، محور مقاومت.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام (صفحه ۱۹۷-۲۲۸)

حسین علیه السلام. (a.kalhor51@yahoo.com)

*۲. دانشیار، رشته تاریخ انقلاب اسلامی، گروه ژئوپلتیک محور مقاومت، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام

حسین علیه السلام. (نویسنده مسئول: ghasemi.b@ihu.ac.ir)

مقدمه

جنبش اولیه اعتراضی مردم مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ که در نگاه اولیه، تحت تأثیر خیزش اعتراضی مردمی تونس صورت گرفت و در طی کمتر از یک ماه با اوج‌گیری و جذب سریع توده‌های پر تعداد مردم و جوانان، توانست سرنوشت نظام سی ساله حسنی مبارک را ابتدا با استعفا و کناره‌گیری و سپس به سقوط منتهی نماید. آنچه به عنوان مفهوم بیداری اسلامی یا (بهار عربی) وارد ادبیات مربوط به تحلیل تحولات مصر و ایضاً سیاست و حکومت در خاورمیانه شده و موجبات سرنگونی حکومت‌های اقتدارگرا و متحد غرب در تونس، مصر و دیکتاتوری در لیبی را فراهم نموده و پایه‌های رژیم‌های دیکتاتوری عربی دیگر را در سراسر جهان عرب سست کرده بود، کم و بیش دارای نقاط اشتراکی هستند که ناشی از سیر تاریخی رشد هویت خواهی اسلامی و عربی این کشورهاست، ولی عوامل متعدد داخلی و منافع بعضاً متفاوت کشورهای منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی، شدت، ضعف و نوع این تحولات و بعضاً ماهیت آن را در بعضی کشورها مانند سوریه، دستخوش تغییراتی متفاوت با سایر کشورها کرده است. این پژوهش با اصل قرار دادن مفهوم بیداری اسلامی، یعنی ریشه‌های دینی اسلامی قیام‌های منطقه، به بررسی تشابه و تفاوت‌های دو کشور مصر و سوریه می‌پردازد.

در بیان اهمیت و ضرورت تحقیق، نوشتار حاضر قصد دارد با تمرکز بر تحولات صورت گرفته در کشورهای مصر و سوریه، به مقایسه و تطبیق تشابه و تفاوت‌های تحولات سیاسی هر کدام از دو کشور پرداخته و از این طریق به توضیح چرایی حمایت از مفهوم بیداری اسلامی و جنبش اعتراضی مردم مصر، در کلان راهبرد جمهوری اسلامی؛ و در عین حال هم‌زمان حمایت از حکومت سوریه در مقابل موج بحران داخلی در این کشور بپردازد. چراکه عدم پرداختن به این موضوع، باعث تلقی رفتار دوگانه و متعارض در سیاست خارجی ایران خواهد شد.

درباره علل شکل‌گیری بحران سوریه دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول معتقد است که تحولات سوریه به دلیل جنبش موسوم به بیداری اسلامی شکل گرفته است، به زعم این تحلیلگران، مردم سوریه با هدف دستیابی به آزادی، رهایی از ظلم، مقابله با فساد، تبعیض، دیکتاتوری در مقابل حکومت سوریه قیام کردند؛ اما دیدگاه دوم معتقد است که پس از قیام‌های مردمی در کشورهای منطقه، ارزیابی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی آنان را به برنامه‌ریزی، چاره‌جویی و واکنش واداشت. این مدیریت هم به طرق مختلف رخ‌نمایی می‌کرد؛ مثلاً در کشور مصر با استفاده از باقی

مانده‌های رژیم سابق، نفوذ ارتش و بی‌تجربگی اسلام‌گرایان، توانستند مسیر جنبش را مدیریت و به اهداف مورد نظر خود دست یابند.

در جریان پدیده «بیداری اسلامی» و موج خیزش‌های مردمی که جهان عرب را درنوردیدند؛ باعث سرنگونی چهار حکومت عربی (تونس، مصر، لیبی و یمن) شده، سه حکومت (بحرین، اردن و تا حدی عربستان) با مشکلات جدی روبه‌رو شدند و یک حکومت (سوریه) دستخوش بحران شدید و جنگ داخلی گشتند، فرضیه این تحقیق این است که دست یافتن به نتایج متفاوت در کشورهای سوریه و مصر، ناشی از تفاوت در برخورداری و بهره‌مندی از مؤلفه‌های بیداری اسلامی بوده است. حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که چطور می‌توان تشخیص داد که تحولات سیاسی سوریه با بیداری اسلامی در مصر تشابه یا تفاوت دارد؟ اساساً آیا در این زمینه شاخص‌های خاصی وجود دارد؟ و آن شاخص‌ها کدام‌اند؟ بنابراین مسئله اصلی نوشتار این است که تحولات اعتراضی در کشور مصر که در اوج خود به سقوط یکی از وابستگان به آمریکا و غرب انجامید، با اعتراضات علیه حکومت سوریه که ضد صهیونیسم و غیر وابسته به آمریکا است و پشتیبانی خارجی شدیدی از اعتراضات داخلی‌اش انجام شده است، مشابه و بر اساس مفهوم بیداری اسلامی است؟ یا این دو در برخورداری از مؤلفه‌های مفهوم بیداری اسلامی متفاوت‌اند و به نتایج متفاوتی هم انجامیدند؟

سازمان‌دهی پژوهش به این ترتیب است که؛ ابتدا پس از چکیده مقدمه، روش تحقیق، سازمان‌دهی مقاله، ادبیات و مرور پیشینه تحقیق، چارچوب مفهومی، ویژگی‌های اختصاصی تحولات سیاسی مصر و تحلیل آن بر اساس مفهوم بیداری اسلامی، ویژگی‌های اختصاصی تحولات سیاسی سوریه و تحلیل آن بر اساس مفهوم بیداری اسلامی و جدول مقایسه تطبیقی ویژگی‌های اختصاصی تحولات سیاسی مصر و سوریه و بر اساس مفهوم بیداری اسلامی و نتیجه‌گیری است.

الف - مرور پیشینه تحقیق

با جستجو در تحقیقات انجام شده در رابطه با تحولات سیاسی مصر و سوریه، چند مقاله به اجمال تشریح می‌شوند: سیدجواد صالحی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «منحنی تحولات اصلاحی در سوریه و تحلیل نقش اپوزیسیون در این کشور»، بحران سوریه را با توجه به نقش معارضة در مذاکرات با دولت، مذاکرات بین‌المللی و گفتگوهای درون اپوزیسیونی بررسی کرده است؛ وی در این

مقاله، به نقش و تأثیر متقابل خشونت اولیه بازیگران و همچنین وابستگی آشکار آن‌ها به خارج، در تشدید بحران توجه نکرده و در زمینه بحران، ماهیت آن و بیداری اسلامی فاقد نوآوری است.

یدالله دهقان و دیگران (۱۳۹۶)؛ در مقاله «بررسی نقش جنبش اخوان المسلمین در بحران سوریه» به نقش جنبش اخوان المسلمین به عنوان اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین گروه مخالف دولت سوریه اشاره می‌نمایند. اشکال این تحقیق در این است که حکومت سوریه را «حکومت علوی» نام می‌نهد. حکومت سوریه سکولار است. اکثریت پست‌های مهم به دست علویان است ولی اهل سنت نیز در مدارج بالایی مدیریتی مانند نخست‌وزیری یا ریاست مجلس حضور دارند.

یاسر زیاده (۲۰۱۵)؛ تحولات سیاست‌های خارجی‌المصریه؛ المعهد المصری للدراسات. در این پژوهش که در قالب یک تحلیل سیاسی تدوین شده، ضمن پرداختن به چالش‌های محیط داخلی و خارجی مصر و اشاره به تأثیرات این چالش‌ها بر سیاست خارجی این کشور پرداخته است. این تحقیق در زمینه مصر قابل توجه است لیکن تحولات سیاسی دیگر کشورهای عربی را نادیده گرفته است. محمدحسن شیخ الاسلامی و دیگران (۱۳۹۸)، مقاله «ناکامی فرایند دموکراسی در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ از منظر نظریه عجم اوغلو - رایبسون»، نتایج به دست آمده از این مقاله درصدد است که نشان دهد وابستگی ساختاری اقتصاد مصر به آمریکا، هزینه انقلابیون را افزایش داده و مانع از شکل‌گیری دموکراسی شد. این تحقیق نیز بدون نوآوری در بررسی مؤلفه‌های بیداری اسلامی تحولات را به اقتصاد مرتبط کرده است.

محمدتقی حسینی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه»، وی معتقد است که غرب در پی آن است تا با مدیریت و هدایت فرایند این جنبش‌ها، آن‌ها را به سمت و سوی سوق دهد تا در نهایت در مسیر تأمین خواست‌ها و منافع غرب باشد. خلأ نوآوری این تحقیق در این است که به ریشه‌های درون دینی و سیاسی این تحولات کم‌توجهی شده و عامل خارجی اصل واقع شده است.

جان بی آلترمن (۱۳۹۵)، در کتابی با عنوان «افراط‌گرایی مذهبی در جهان عرب»، توضیح می‌دهد که گروه‌های افراطی در قیام‌های عربی فرصت منحصربه‌فردی جهت ارتقا و گسترش کمی و کیفی خود پیدا کردند. آنان با بهره‌گیری از تضعیف ارتش و نیروهای امنیتی، همچون آهن ربایی برای جذب جوانان ناراضی منطقه عمل کرده‌اند. وی بدون نوآوری خاصی، درصدد است تمام جنبش‌های اعتراضی اسلامی را به بنیادگرایی و افراط‌گرایی مسلمانان گره بزند که منطبق با واقع نیست.

شهریار فرجی نصیری و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش طبقه متوسط جدید در انقلاب ۲۰۱۱ مصر» فرض خود را که طبقه متوسط جدید به دلیل، نرخ بالای بیکاری، فساد روزافزون طبقه حاکم، نقش هادی، مدیر و ایدئولوگ را در انقلاب ۲۰۱۱ مصر داشته است. قرار داده‌اند. نویسندگان در این تحقیق دلایل اقتصادی را پایه تحولات قرار داده و نظریه نوآوران‌های در زمینه بیداری اسلامی ارائه نمی‌نمایند.

علی باقری دولت آبادی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات سیاسی سوریه: مبانی، روند و پیچیدگی‌ها» به این نتیجه می‌رسند که بقای حکومت سوریه که مبتنی بر فرقه‌گرایی و ساختار تک‌حزبی بوده و کارکرد فساد گسترده و شکاف طبقاتی داشته و باعث پدید آمدن بحران مشارکت و بحران مشروعیت شده است، امکان ندارد. مؤلفه‌های تطبیقی مفهوم بیداری اسلامی در این پژوهش نادیده گرفته شده و فاقد نوآوری در این زمینه است.

جمال سلیم (۲۰۲۰) در مقاله سیاست خارجی مصر پس از انقلاب ۲۰۱۱: پویایی تداوم و تغییر، وقوع انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ را عامل تحول در انتظارات محافل دانشگاهی و سیاسی نسبت به گفتمان سیاست خارجی جدید مصر می‌داند. این تحقیق نوآوری مقایسه‌ای با مفاهیم بیداری اسلامی را ندارد.

افسانه سیفی ناجی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر، چهار مرحله «ایجاد، گسترش، کاهش و پیامد» بحران را بررسی و نتیجه می‌گیرند که چنددستگی اقلیت‌های قومی، دخالت گسترده بازیگران دولتی خارجی از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و تشدید کننده بحران سوریه هستند. غلبه عامل ضعف نظام بر عامل دخالت خارجی در این تحقیق برجسته است که با واقعیات صحنه همخوانی ندارد و فاقد هرگونه نوآوری است.

محمدتقی قزل سفلی و دیگران (۱۳۹۲)؛ در مقاله پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه، اشارات مبسوطی به تأثیر شرایط زمینه‌ای و علل ایجاد و استمرار بیداری اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی ایران اشاره داشته و در این زمینه مواردی از قبیل اتحاد امت اسلامی، الگو شدن مجدد اسلام سیاسی، بازبینی در رابطه نامتناسب جهان اسلام با غرب و تمایل به نبرد علیه تمامی اشکال ظلم استبداد و استعمار خارجی را برگرفته از انقلاب اسلامی دانسته و بیداری اسلامی را حاصل خیزش نیروهایی که از انقلاب اسلامی الهام گرفته‌اند می‌دانند. نظریات

نویسندگان در تطابق مناسبی با واقعیات تحولات بیداری اسلامی دهه گذشته کشورهای تونس و مصر بوده است اما هیچ نوآوری در مورد سوریه ندارد. در مجموع با بررسی ادبیات و مرور پیشینه تحقیق در این مقاله با اشراف بر دامنه تحقیق و بررسی مقالات انجام شده در موضوع نشان داده که مقاله حاضر دارای نوآوری بوده و جنبه جدیدی از تحولات سیاسی مصر و سوریه را به صورت مقایسه تطبیقی بررسی و تحلیل کرده است.

ب- مبانی نظری و روش پژوهش

در این مقاله به بررسی و مقایسه تطبیقی تحولات سیاسی کشور مصر و سوریه با تکیه بر شباهت‌ها و تفاوت‌های (سلبی و ایجابی) آن‌ها با رویکرد مفهوم بیداری اسلامی خواهیم پرداخت.

۱- مبانی نظری

بیداری اسلامی با عبارات احیای اسلام، احیای تفکر دینی، بنیادگرایی، اصلاح طلبی، النهضه الاسلامیه، الیقظه الاسلامیه، الصحوه الاسلامیه و موارد مانند آن ذکر شده است. این مفاهیم که همگی در ذیل پدیده «بیداری اسلامی» جای می‌گیرند، به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل در سطح جهان اسلام، خاورمیانه و بین‌الملل می‌باشند. آن‌گونه که گیدنز می‌گوید: دین به مثابه یک سامانه فرهنگی است، مفهوم دین، حوزه فرهنگ و جامعه را معنا و شکل می‌بخشد و تا حد زیادی رفتارها و کنش‌ها را جهت‌دار و معنادار می‌کند (Greetz, 1973: 89).

با بررسی تاریخ ۱۵۰ ساله جهان اسلام، شاید بتوان سه شخصیت بزرگ تاریخی اسلامی را نام برد که نظریه‌پردازان «بیداری دینی»، «احیای دینی» و «بازگشت به خویشتن» بودند و هرکدام به نحوی در سیر تاریخی رشد مفهوم بیداری اسلامی (هرچند با تفاوت‌هایی) نقش‌های مهمی ایفا نمودند که به ترتیب تاریخی به بررسی اجمالی اندیشه‌های آن‌ها می‌پردازیم؛ نظریه‌ی اندیشمند اول سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در بحث بیداری اسلامی هشت محور و نکته زیر را به عنوان بنیادهای بیداری اسلامی بر می‌شمارد.

- لزوم مبارزه با استبداد و خودکامگی (صفایی، بی تا: ۲۱)
- لزوم آشنایی با علوم و فنون جدید (پذیرش نسبی علوم مدرن و نقش مردم)

- بازگشت به اسلام اصیل، خالص، بدون خرافات، بدون بدعت و بازگشت به قرآن (مدرس چهاردهی، ۱۳۴۴: ۳۲)
- اعتقاد به توانایی لازم و کافی مکتب اسلام برای نجات مسلمانان (خسرشاهی، ۱۳۵۴: ۷۸؛ مجموعه مقالات، ۱۳۸۳: ۱۱-۴۸).
- لزوم مبارزه با استعمار خارجی (گزیده عروه‌الوثقی، ۱۳۶۰: ۲۶).
- تکیه بر اتحاد مردم جهان اسلام
- لزوم بازگرداندن روح مبارزه علیه ظالمین به جامعه اسلامی (مجموعه مقالات، ۱۳۸۳: ۵۶-۷۲).
- تکیه بر مردم و نجبگان در مبارزه با خودباختگی در مقابل غرب. (حسینی میرسیفی، ۱۳۹۰: ۱۷).
- نظریه‌ی اندیشمند دوم سید قطب (از شاگردان محمد عبده که خود از مریدان سید جمال است)، است. وی در جهان اسلام و کشور مصر منادی بیداری و بازگشت به اسلام بوده است. شاخص‌های عمده‌ی بیداری اسلامی از نظر سید قطب را می‌توان در موارد ذیل برشمارد.
- رجوع به قرآن کریم و سنت پیامبران (ع) و بزرگان اسلام، به عنوان منابع اولیه تنظیم و تحکیم روابط اجتماعی مابین مردم و روابط سیاسی و اقتصادی، از نظر وی «اسلام دینی برای واقعیت‌ها است؛ یعنی برای زندگی و دینی برای جنبش و یک دین برای عمل» (قطب، ۲۰۰۷: ۱۰۲)
- احساس تقصیر نسبت به از دست رفتن حاکمیت اسلام در جامعه، و تلاش نجبگان در جهت جبران مافات.
- ضرورت ایفای نقش اساسی توسط «علماء و دانشمندان اسلامی» و خواص در فراهم کردن زمینه‌های بیداری اسلامی (قطب، ۲۰۰۱: ۱۶۹).
- گستردگی موج بیداری در تمامی نقاط جغرافیایی، با «حضور مردم مسلمان» اعم از کشورهای اسلامی و سایر کشورهایی که دارای اقلیت اسلامی است و دارالسلام تلقی می‌شوند (سید قطب، ۱۹۸۳: ۱۳۵).
- ایجاد تقابل و تعارض با نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محلی موجود که متأثر از غرب و شرق است توسط مردم (قطب، ۱۹۸۲: ۱۹۷).
- مبارزه با تسلط استعمارگرایانه کشورهای بزرگ غربی بر مقدرات مسلمانان (قطب، ۱۳۸۱: ۸۳).
- مبارزه با صهیونیسم و بهترین راه برای مقابله با یهود و صهیونیسم و کفار را فقط جهاد می‌داند و در کتاب «معرکتنا مع الیهود» به این نکته می‌پردازد (قطب، ۱۴۱۳: ۵۶).

- تمایل به ایفای نقش واقعی‌تر در معادلات منطقه‌ای و جهانی و یافتن جایگاه اسلامی خود (قطب، ۱۳۷۴: ۷).
- نظریه‌ی متفکر سوم که بنا به تصریح اندیشمندان جزو مؤثرترین شخصیت‌ها در اعتلای دین و بیدارگری مسلمین، بود، امام خمینی (ره) است. این شخصیت، معلم بزرگ بیداری اسلامی بود که در طول دوران مبارزه، بنیان‌گذاری و رهبری نظام، با بیان سخنان و رهنمودها و مواضع خود زمینه‌های وحدت و بیداری را در میان ملت‌های مستضعف و مسلمان فراهم آورد. ایشان ریشه‌های عقب‌ماندگی جهان اسلام (استبداد داخلی و استعمار خارجی) را کشف و شاخصه‌های بیداری اسلامی و موانع آن را ارائه دادند:
- مقابله با هرگونه خودباختگی عوام و خواص و بازگرداندن هویت اصیل اسلامی (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵).
- ریشه‌کنی استبداد داخلی. قطع دست طمع استعمار و استکبار جهانی و صهیونیسم (صحیفه نور، ج ۲: ۱۳۹).
- بازگرداندن اعتمادبه‌نفس به مسلمانان و ملت و نخبگان تحت عنوان اختصاری ولی پر مغز «ما می‌توانیم».
- ردّ هرگونه گرایش التقاطی و تسامح و تساهل در ارزش‌های دینی.
- پرهیز از خشونت با به‌صحنه آوردن همه مردم و نخبگان و ترغیب آن‌ها به مقاومت مسالمت‌جویانه.
- حمایت از تفکر و حرکت‌های اسلامی حرکت‌های ضد استکباری و آزادی‌خواهانه دیگر کشورها.
- تأکید فراوان بر وحدت اسلامی و اصلی - فرعی کردن اهداف مبارزه با استبداد و استعمارستیزی (صحیفه نور، ج ۶، ۱۲۳-۱۲۲).
- تأسیس حکومت بر اساس مردم‌سالاری دینی و ولایت‌فقیه (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۳).
- انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری در دو بخش مقاومت در بعد سلبی، به نفی سلطه، نفی استکبار و استبدادستیزی و در بعد ایجابی به عدالت‌خواهی، اسلام‌خواهی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی پرداخته است (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۸).

۲- رقبای گفتمانی مفهوم بیداری اسلامی

در این راستا اولین گفتمان را شاید بتوان ناسیونالیسم عربی که به وسیله جمال عبدالناصر، چند

دهه در جهان عرب غلبه گفتمانی داشت، نام برد. گفتمان جدید عربی بر عناصری مانند «مبارزه با اسرائیل، گرایش به سوسیالیسم و پان عربیسم» استوار بود؛ اما بعد از چند دهه فقدان حکمرانی مردم پایه، خودکامگی شدید و وابستگی کامل به غرب و آمریکا به علاوه فقر و نابرابری، لایه‌های زیرین جوامع عربی را به واکنش و حرکت وامی‌دارد. این واکنش با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مقاومت پیروزمندانه حزب‌الله در لبنان و پیروزی‌های متعدد مقاومت فلسطینی تقویت شد. در این واکنش‌ها البته «گفتمان اسلام‌گرایی» به رهبری انقلاب اسلامی محور قرار می‌گیرد. با شروع تحولات جدید کشورهای عربی، عده زیادی برای تقلیل دادن به این اعتراضات نام بهار عربی را با نگاهی به همان گفتمان‌های سکولار پیشین جهان عرب برآن نهادند و وجوه اسلامی آن‌ها به حاشیه راندند (Azzam, 2011:48). در شرایط تحولات بحرانی سیاسی، گفتمان‌ها سعی می‌کنند خود را بر فضای معرفتی فراهم شده جدید مسلط کنند، در این وضعیت رقابت گفتمانی بین اسلام انقلابی (بیداری اسلامی)، ناسیونالیسم (عرب‌گرایی) و سکولاریسم (غرب‌گرایی) شکل می‌گیرد.

۳- چارچوب مفهومی پژوهش

وجوه ایجابی و سلبی مفهوم بیداری اسلامی و مخرج مشترک نظریات سه اندیشمند تأثیرگذار جهان اسلام (سید جمال، سید قطب و امام خمینی (ره)) در بیان مفهوم بیداری اسلامی، مفروضات منطقی و شاخص‌های آن از نظریه‌ی سه اندیشمند استخراج و در مقاله به صورت عملی و عینی به کار گرفته شده است. خلاصه مفاهیم مشترک نظریات این سه اندیشمند (فارغ از مذهب آن‌ها و بدون توجه به بستر سنی - عربی) مؤثر جهان اسلام شامل موارد زیر است.

۳-۱- شاخص‌های ایجابی

- اعمال تغییر ساختاری حداکثری و یا انطباق ساختارها با دین مبین اسلام (اسلام خالص و ناب)،
- تطابق حداکثری نهادها با دین اسلام و مطالبات مردم،
- ایفای نقش تعیین کننده مردم مسلمان و آگاه شده (بیداری)،
- ایفای نقش علمای اصیل اسلامی و خواص و دانشگاہیان،
- نقش‌آفرینی احزاب و گروه‌های اصیل اسلامی بدون وابستگی به اجانب و استعمارگران،
- وحدت امت اسلامی با تأکید بر ایدئولوژی اسلام اصیل و ناب،

- ایفای نقش مسلمانان در معادلات سرنوشت‌ساز منطقه‌ای و جهان،
- تأکید بر آرمان آزادی فلسطین و مبارزات ضد صهیونیستی

۳-۲- شاخص‌های سلبی

- عدم اعمال خشونت و جنبش مبتنی بر آگاهی مردم و نخبگان،
- عدم شعار مذهب پایه و نمادگرایی فرقه‌گرانه،
- عدم وابستگی جنبش‌های اصیل به غرب (استقلال جنبش)،
- عدم وابستگی ارتش‌های ملی و اسلامی به خارج و استقلال آن‌ها و ضرورت دفاع از تمامیت ارضی کشورهای جهان اسلام.

بنابراین مفهوم بیداری اسلامی، مجموعه‌ای از ایده‌ها و مفاهیم اسلامی است که زنجیره شاخص‌هایی از اثبات‌ها (بازگشت به اسلام اصیل، مردم‌گرایی، عدالت‌خواهی، وحدت اسلامی، هویت خواهی) و زنجیره شاخص‌هایی از نفی‌ها (نفی شرک، نفی استعمار، نفی استبداد، نفی سلطه، نفی وابستگی، نفی تفرقه، نفی فرقه‌گرایی) را در خود دارد.

در مجموع در خصوص تحولات سیاسی و اجتماعی سال ۲۰۱۱ کشورهای اسلامی گفتنی است که؛ مفهوم بیداری اسلامی در تاریخ معاصر جهان اسلام در تفکر بسیاری از احیاگران مسلمان همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، حسن البنا، سید قطب و امام خمینی بوده است. محوریت داشتن اسلام، هویت متفاوتی برای حرکت‌های اسلامی ایجاد می‌کند. اولین اثر حضور اسلام در شعارها، عناوین و خواسته‌ها و انگیزه‌ها، ایجاد هویت رها شده از گفتمان لیبرال غرب و سوسیالیسم ضد خدا و توحید است. نام‌گذاری حرکت اجتماعی و سیاسی کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ به بیداری اسلامی برای اولین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای بود. ایشان در اسفند سال ۱۳۶۸ بر مفهوم بیداری اسلامی تأکید داشتند و در ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۹۰ در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی بر عنوان بیداری اسلامی به‌عنوان نام نما و عنوان این حرکت عظیم تأکید کردند (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶). اولین کسی که اصطلاح «بهار عرب» را برای رویدادهای کشورهای اسلامی به کار برد، مارک لینچ دانشیار علوم سیاسی در دانشگاه جرج واشنگتن در مقاله‌ای با عنوان بهار عربی او‌باما؟ را استفاده کرد. جوزف اندونی مسعد هم‌زمان از اصطلاح بهار عربی در مقاله‌ای در الجزیره استفاده کرد. پس از انتشار مقاله لینچ در مجله فارین پالیسی و مقاله مسعد در

الجزیره، پارادایم غرب این اصطلاح را تقویت نمود و رسانه‌های عمده جهانی و سیاستمداران غربی و آمریکایی نیز اصطلاح «بهار عربی» را به کار بردند. برای غربیان استفاده از اصطلاح «بهار عربی» به این معنی است که روندی که در کشورهای عربی در حال سپری شدن است یک روند لیبرال و غرب‌گرا است. هر دو رویداد دیگری که نام بهار بر آن‌ها گذاشته شد رویدادهای لیبرالیستی و به لحاظ پارادایمیک غرب‌گرا بودند (عاملی، ۲۰۱۸: ۱-۲). مقاله‌ی حاضر حرکت دو کشور مصر و سوریه را بر اساس مفهوم بیداری اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴- روش تحقیق

در این پژوهش، از حیث هدف بنیادی و از نوع پژوهش‌های کیفی است که با روش مطالعه تطبیقی-مقایسه‌ای دو کشور مصر و سوریه انجام شده است. شیوه گردآوری داده‌ها و مطالب بر اساس منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌ها، مقالات منتشر شده و همچنین استفاده از منابع اینترنتی معتبر عربی انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی بوده که برای سهولت کار پس از دسته‌بندی مطالب تحلیل محتوا انجام شده است.

پ- تحلیل و تبیین داده‌های پژوهش

۱- ویژگی‌های اختصاصی تحولات مصر و تحلیل آن بر اساس مؤلفه‌های مفهومی

بیداری اسلامی

کشور بسیار کهن مصر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای عربی در آفریقا و با موقعیت ژئو استراتژیک و ژئو کالچر منحصر به فردی شناخته می‌شود که تحولات آن بر کل جهان اسلام و منطقه غرب آسیا تأثیرگذار است. (Osman, 2010: 5) تحولات سیاسی مصر با سقوط حکومت حسنی مبارک، قدرت گرفتن اخوان المسلمین در سطح دو قوه مجریه و مقننه وارد فاز جدیدی گردید سرعت این تحولات به گونه‌ای بود که بسیاری از تحلیل‌گران را غافل‌گیر کرد. حال برای فهم دقیق‌تر حرکت تحول خواهانه مردم مصر که معطوف به تغییر رژیم بود، لازم است تا به مختصات و ویژگی‌های جنبش اعتراضی پرداخته و عناصر و مؤلفه‌های جنبش مصر را بازخوانی نماییم.

۱-۱- شاخص ایجابی اعمال تغییر ساختاری حداکثری و یا انطباق ساختارها با دین مبین اسلام (اسلامی بودن جنبش مصر)

جنبش مردم مصر اگرچه در ابتدا به وسیله جنبش جوانان حامی دموکراسی به نام جنبش ۶ آوریل کلید زده شد ولیکن در ادامه با محوریت جریانات اسلامی و غلبه این جریانات در پیشبرد نهضت ادامه یافت چراکه قابل کتمان نیست پس از فروپاشی سیستم سوسیالیستی و پایان جنگ سرد، خاورمیانه شاهد یک بیداری کلی اسلامی در بخشه‌ای میانه‌رو و بنیادگرای خود بود که تأثیر زیادی در روند روابط بین‌الملل برای کشورهای منطقه داشت (الزیدی، ۲۰۱۲).

۱-۲- شاخص ایجابی تطابق حداکثری نهادها با دین اسلام و مطالبات مردم

در جریان اعتراضات مصر، علیرغم پیروزی جنبش اعتراضی مردم مصر که به صورت مسالمت‌آمیز و عدم دست زدن به خشونت، به سرانجام رسید و با وجود اینکه جنبش باسابقه اخوان المسلمین با مانیفست اسلامی توانست رهبری حرکت را در تداوم و پس از پیروزی انقلاب به دست گیرد و همچنین مطالبات مترکم شده و بی پاسخ مردمی در ابعاد دینی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به ایجاد بحران مشروعیت حکومت مبارک انجامید (مطر، ۲۰۱۱: ۸۹)؛ اما به دلایل خارج از قلمرو این تحقیق، اخوان المسلمین دست به تطابق سازی نهادها با دین اسلام نزد (به دلیل ملاحظاتی که با غرب و برخی کشورهای منطقه داشت) و از این منظر تناسب مورد انتظاری را با مفهوم بیداری اسلامی بنمایش نگذاشت. جنبش اعتراضی در مصر علیرغم به قدرت رسیدن، عمر کافی نداشته و در مدت کوتاهی با کودتای ارتش و حمایت آمریکا سقوط کرد و بنابراین با عدم موفقیت روبرو شد. که همین امر را می‌توان یکی از دلایل ناکامی این جنبش نامید.

۱-۳- شاخص ایجابی ایفای نقش تعیین‌کننده مردم مسلمان و آگاه شده و مردمی بودن جنبش مصر (بیداری توده‌ها)

جنبش اعتراضی مصر بعد از شروعی کوتاه، توانست به سرعت توده‌های عظیم میلیونی از قشرهای مختلف مردم خصوصاً در شهرهای مهم مصر مانند قاهره، اسکندریه، منصوریه، المینا، سوئز و دیگر شهرهای مهم مصر را دربرگیرد و به میدان اعتراض و مطالبه تغییرات بنیادین در حکومت بکشاند. استبداد ساختارمند و دیکتاتوری شدید حاکمیت به تولید فزاینده بحران مشارکت انجامید (توفیق

ابراهیم، ۲۰۱۱: ۱) به دلیل کثرت و حجم انبوه مشارکت مردمی در جنبش اعتراضی و رشد تصاعدی مشارکت در این اعتراض‌ها، حکومت مصر دست به حرکات نمایشی در توجه به مطالبات مردم و تقلیل این مطالبات به تغییرات سریع و عینی زد. به عنوان مثال پخت نان توسط نیروهای ارتش و پلیس و دادن وعده افزایش ۳۰ درصدی حقوق کارکنان دولت (McGreal, 2001: 2) از جمله موارد قابل ذکر است که حرکت اعتراضی مردم مصر سراسری و وسیع بوده است. هرچند این اقدامات بر آتش حرکت مردم دمیده و جنبش را سرعت داده بود. اعتراضات مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز، برای ۱۸ روز تا ۱۱ فوریه تداوم و به کناره‌گیری رئیس‌جمهوری ۳۰ ساله این کشور انجامید. در این مدت هجده روزه تا کناره‌گیری مبارک از قدرت، میلیون‌ها تن از مردم مصر به خیابان‌ها ریخته و خواستار سرنگونی رژیم شدند (امام‌جمعه زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

۱-۴- شاخص ایجابی نقش‌آفرینی احزاب و گروه‌های اصیل اسلامی داخلی بدون وابستگی به اجانب و استعمارگران

مصر مهد فکر و اندیشه در جهان عرب و اسلام و از کشورهای پیشتاز جهان اسلام محسوب می‌شود و همواره تحولات سیاسی فکری این کشور تأثیر انتقالی و سرایتی وسیعی بر سایر کشورهای منطقه داشته است. در این کشور در طی قرون اخیر، مجموعه متنوعی از احزاب و فرهنگ‌های سیاسی از سکولاریسم تا اسلام‌گرایی حضور داشته‌اند. متعاقب سقوط مبارک و در پرتوی گسترش آزادی سیاسی در این کشور، تأثیرگذاری جریان‌های مختلف سیاسی و مذهبی بر جامعه‌ی مصر گسترش یافته بود. امروزه رقابت قابل توجهی میان گرایش‌های سیاسی و فکری مختلف از جمله اسلام‌گرایی و سکولاریسم وجود دارد. جنبش‌های قدیمی و ریشه‌دار نه خلق‌الساعه مانند اخوان المسلمین که مدت‌ها قبل از شروع این تحولات و در تمام مدت حکومت سادات و مبارک مشغول فعالیت بوده و در عرصه مبارزات میدان‌دار بودند، عنان نقش‌آفرینی در این تحولات را در اختیار گرفته و به هدایت و مدیریت افکار عمومی دست‌یازیدند (علی حسن، ۲۰۰۹: ۱۳۴). پس از سقوط حکومت سی‌ساله مصر با اتفاقات از قبل قابل پیش‌بینی، جنبش‌های اسلام‌گرا خصوصاً اخوان المسلمین، میدان‌دار شده و گوی سبقت را از دیگر احزاب و گروه‌ها ربوده و با کسب اعتماد و اقبال عمومی توانستند در عرصه سیاسی موفقیت‌های مهمی را رقم بزنند. این پیروزی‌ها به نحوی بود که در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و دیگر انتخابات برگزار شده بیشترین رأی را به دست آوردند. پس از این موفقیت

چشم‌گیر این سؤال مطرح شد که چرا مصری‌ها اسلام‌گراها را برگزیدند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به عوامل ذیل در موفقیت اخوان اشاره کرد. نخست، ناکارآمدی و عدم موفقیت الگوهای غیر اسلامی از قبیل؛ ملی‌گرا و چپ‌گرا در مصر، دوم، قدمت و ریشه‌دار بودن جنبش‌های اسلام‌گرا خصوصاً اخوان المسلمین، سوم حضور و نقش‌آفرینی شبکه‌ای قدرتمند، گسترده و پرنفوذ از اعضا و هواداران حزب و در نهایت درک و توجه به مطالبات عمومی و هدایت و مدیریت آن در قالب‌های انتخاباتی است.

۱-۵- شاخص‌های ایجابی ایفای نقش علمای اصیل اسلامی و خواص و دانشمندان

پس از شروع و تداوم جنبش اعتراضی مصر، و در زمانی که مرکزیت قدرت حاکم به این نتیجه رسیدند که تداوم حکومت وابسته مصر ممکن نبوده و حسنی مبارک باید سریع‌تر عرصه قدرت را ترک نماید. از جمله دلایل اصلی سقوط، وابستگی شدید حکومت مبارک به غرب و خصوصاً آمریکا بود (الشوریجی، ۲۰۱۱). در این بازه زمانی، علما، خواص و گروه‌های اسلامی میانه‌رو در روند روبه توسعه اعتراضات، عمدتاً شعارهای ملایم اسلامی و حداکثر بیگانه‌ستیزی سر می‌دادند و صرفاً بر وجه نمادین اسلام (برگزاری نماز جمعه کثیر در میانه میدان التحریر) و عمل‌گرایی با شعارهای سلبی یعنی «اسقاط نظام» و رفتن مبارک تأکید می‌کردند (پور سعید، ۱۳۹۰: ۱۸۷)؛ نه بر مذهب خاص. سبب و چرایی این موضوع را می‌بایست در راهبرد اخوان المسلمین در مصر، دانست. در حقیقت، اخوان المسلمین، از بدو پیدایش، به واسطه نوعی استراتژی خطی تدریجی و طولانی، در مراحل آغازین حرکت خود بر اسلام‌گرایی مبتنی بر نوسازی اجتماعی تأکید می‌نمود.

۱-۶- شاخص‌های ایجابی تأکید بر آرمان فلسطین و مبارزات ضد صهیونیستی

در موضوع تأثیرگذاری تحولات مصر بر سیاست منطقه‌ای مصر خصوصاً ارتباط با رژیم صهیونیستی، با توجه به اولویت اول غرب در منطقه که تأمین امنیت اسرائیل و تضمین منافع خود است، این اولویت منافع، با بیداری اسلامی به شدت آسیب دیده بود. صهیونیست‌ها با اذعان بر ضد منافع ملی بودن تحولات جاری در مصر، وحشت خود را از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در این کشور بزرگ اسلامی در خاورمیانه پنهان نمی‌کردند. با چشم‌اندازی به آینده این تحولات، رژیم صهیونیستی سعی می‌کرد تغییر موازنه قدرت ناشی از وقوع تحولات بیداری اسلامی به وجود آمده در تونس و

مصر را به نفع خود هدایت نماید، چراکه این رژیم، تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه جدید را به جهت ماهیت تحولات و تأثیرگذاری مردم و احزاب اسلامی، در تضاد شدید با منافع میان‌مدت و بلندمدت خودارزیابی و مغایر امنیت ملی خود تلقی می‌نمود. با در نظر داشتن عناصر جدید الظهور مبتنی بر جامعه‌شناختی در خاورمیانه، از جمله، موج نوظهور بیداری اسلامی و کرامت خواهی مردم منطقه، نظام سلطه جهانی ناچار بود واقعیات کشورهای عربی مبتنی بر موج اسلام‌خواهی را پذیرفته و به سمت بازتعریف ساختارها و روش‌های مبتنی بر امنیت بومی حرکت کند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۸). ولی پر واضح است که این مورد با راهبردهای کلان غرب و آمریکا خصوصاً حفظ و تثبیت امنیت رژیم صهیونیستی در تعارض کامل بود. به عنوان نمونه در تحقیق تحلیل محتوای اخبار چهار خبرگزاری بزرگ جهانی در ارسال اخبار تحولات مصر در بازه هفته‌های اول جنبش اعتراضی مردم مصر، گزاره «نگرانی رژیم صهیونیستی از سقوط دولت حسنی مبارک»، با ۱۰.۷ درصد، بعد از گزاره «پیامدهای نامشخص تحولات مصر برای غرب و آمریکا»، مهم‌ترین گزاره هفته اول تحلیل محتوا خبرگزاری‌های معتبر چهارگانه جهانی بود (مجیدی و نیکی ملکی، ۱۳۹۱: ۸۴).

۷-۱- شاخص سلبی عدم اعمال خشونت (جنبش مبتنی بر آگاهی اسلامی مردم و نخبگان)

در جنبش اعتراضی مردم مصر هرچند در بدو حرکت، گروه اولیه بسیج‌کننده و جمعیت مشارکت‌کننده و بسیج‌شونده، به‌طور شاخص از میان اسلام‌گرایان نبودند؛ ولی در طول هفته‌های اولیه، اسلام‌گرایان در قالب اخوان المسلمین و عمدتاً جوانان، از هفته سوم به بعد فعالیت گسترده خود را شروع کرده و مشارکت اصلی را به شکل مسالمت‌آمیز ایفا نمودند. گروه‌های اسلام‌گرا، از جمله اخوان المسلمین از این جنبش حمایت کردند و به آن پیوستند. در واقع، آن‌ها آغازگر این جنبش نبودند، اما به بخش بسیار مهمی از آن تبدیل شدند. از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین تظاهرات گسترده در کشورهای اسلامی و مصر شده بود، کرامت خواهی و هویت طلبی اسلامی در شعارها و جنبش سلمیه مردم بود. اعتراض مردم مصر بدون خشونت قابل توجهی از طرف معترضین به پیروزی رسید.

۸-۱- شاخص سلبی عدم انتخاب شعار مذهب پایه و نمادگرایی فرقه‌گرانه

غیرمذهبی، غیر قومی و غیر نژادی بودن جنبش مصر؛ نزدیک به ۹۹ درصد از جمعیت کشور مصر

را نژاد سامی، با زیرشاخه‌هایی شامل (مصری، بادیه‌نشین‌ها و بربرها) و یک درصد باقی مانده از نژادهای یونانی، ارمنی و سایر نژادها تشکیل می‌دهند (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۴). جمعیت کشور مصر برخلاف کشورهای دیگر عربی از قبیل لبنان، سوریه و عراق، دارای تنوع قومی شاخص نبوده و نمی‌توان به سهولت اکثریت بافت جمعیتی این کشور را، وارد تضادها و نزاع‌های شدید قومی - هویتی قرار داد. مصر برخلاف کشورهای عربی بر ساخت شده از دوران فروپاشی امپراتوری عثمانی، دارای دو مرحله «جداسازی» و «واحدسازی» نیست. این کشور همواره دارای جمعیتی یکسان و همگن، ساخت سیاسی متحد و متمرکز بدون انگیزه‌های هواخواهانه و تمرکز گریز و جدایی‌طلبی بوده و واجد تسلسل تاریخی است و نمونه برجسته از انسجام اجتماعی - فرهنگی و قومی - مذهبی در منطقه خاورمیانه است. مصر دچار تنوع قومی مذهبی نبوده و قریب ۹۴ درصد مردم را اهل تسنن شافعی مذهب تشکیل می‌دهند (توانا و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۱۳۰). به همین سبب جنبش اخوان المسلمین پس از سقوط دولت و مبارک و تا آستانه برگزاری انتخابات و پیروزی و کسب قدرت، عملاً جنبش را وارد درگیری‌های مذهبی و قومی ننموده و از این جهت مصر هزینه‌های جنگ‌های داخلی مذهب پایه و یا قومی را نپرداخت.

۹-۱ - شاخص سلبی عدم وابستگی جنبش‌های اصیل به استعمار غرب (استقلال جنبش)

نقش آفرینی سه‌گانه استعمار غرب خصوصاً آمریکا؛ کشور مصر از منظر گوناگون در جهان اسلام، جهان عرب، افریقا و خاورمیانه کشوری ژئواستراتژیک برای ایالات متحده آمریکا است. جمعیت نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفری و وسعت سرزمینی، همسایگی با رژیم صهیونیستی و نوع تصمیمات اتخاذی این کشور در برابر قدرت‌های جهانی، کانال ژئواکونومیک و بین‌المللی سوئز، ارتباط با باریکه غزه و برخورداری از گذرگاه رفح، دانشگاه بزرگ الازهر، جنبش ریشه‌دار اخوان المسلمین، رهبری ملی‌گرایی عربی و قدرت نرم این کشور در جهان عرب باعث شده است تا این کشور در راهبردها و اهداف آمریکا، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد (حبیب‌اللهی و مسعودنیا، ۱۳۹۵: ۵۷). در این خصوص مهم‌ترین اهداف راهبردی آمریکا در مصر شامل؛ حمایت و حفاظت از امنیت رژیم صهیونیستی، پیشگیری از نفوذ ایران و روسیه در منطقه، کنترل اوضاع داخلی مصر، استقرار امنیت در آبراه بین‌المللی کانال سوئز و تجارت زمینی، تقابل با اسلام‌گرایان و ایجاد و افزایش فرصت اقتصادی و تجاری برای شرکت‌های آمریکایی بود (پرتو، ۱۳۹۳: ۱۰-۶).

از آنجایی که تهدیدات نسبت به منافع ایالات متحده در مصر از مستقیم تا غیرمستقیم در نوسان بود، لذا سیاست خارجی آمریکا در قبال مصر نیز در دوران پس از مبارک از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی در نوسان بود. حال با عنایت به موارد فوق، رویکرد آمریکا در قبال تحولات اعتراضی مصر، رویکردی سه‌گانه؛ از حمایت اولیه از حکومت مبارک، با اوج گرفتن تحولات و اعتراضات سعی در وساطت بین طرفین و در نهایت مداخله آمریکا در تحولات بوده است (حبیب‌اللهی و مسعودنیا، ۱۳۹۵: ۵۲).

۱-۱۰- شاخص سلبی عدم وابستگی ارتش‌های ملی و اسلامی به خارج و استقلال آن‌ها و دفاع از تمامیت ارضی کشورهای جهان اسلام

پس از شروع اعتراضات اولیه مردم مصر، حسنی مبارک سعی کرد از توان ارتش مصر علیه مردم در کنار توان سایر نیروهای امنیتی و پلیسی برای خاموش کردن قیام مردم، استفاده نماید؛ اما ارتش پس از خشونت و سرکوب اولیه، برخلاف نیروهای پلیس و امنیتی از سرکوب مردم خودداری و از حکومت کناره‌گیری و راه سومی را انتخاب کرد و به نوعی خود را از دولت مبارک جدا و با صدور اعلامیه‌ای اعلام کرد خواسته‌های مردم، برحق است و ارتش هرگز به روی مردم سلاح نخواهد کشید. با این اقدام ارتش به نوعی اعلام بی‌طرفی نمود (علایی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۷). ارتش به عنوان قلب سیستم دیکتاتوری حاکم بر مصر، نگهبان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت شد و خود را عامل عدم رادیکالیزه شدن حرکت‌های اجتماعی و سیاسی قلمداد می‌کرد. از این رو خود را به عنوان حامی ثبات و حافظ تمامیت ارضی مصر مطرح کرده بود. از این منظر ارتش اجازه نداده تا تحولات مصر از «فاز اجتماعی - سیاسی» به «فاز امنیتی - نظامی» وارد شود.

۲- ویژگی‌های اختصاصی و تحلیل تحولات سوریه و تحلیل آن بر اساس مفهوم بیداری اسلامی

۲-۱- شاخص ایجابی اعمال تغییر ساختاری حداکثری و یا انطباق ساختارها با دین مبین اسلام

در ابتدای سال ۲۰۱۱ م و با شروع بیداری اسلامی یا جنبش‌های اعتراضی - اجتماعی نو پدید که در بستری از نارضایتی‌های سیاسی، هویتی، قومی، زبانی و مذهبی ریشه‌دار روی داد؛ سوریه نیز که از

جمله واحدهای سیاسی تقسیم شده پس از سقوط امپراتوری عثمانی بود، به دنبال وقوع انقلاب در تونس و شروع اعتراضات در مصر، به سرعت دستخوش تحولات و شروع اعتراضات داخلی شد؛ در این کشور به دلایلی مانند «خشونت اولیه معترضان در شهر جنوبی درعا (ازجمله شهرهایی که در کنترل سلفی‌های تندرو بود) و سرکوب سخت آنان توسط اداره امنیت عمومی، نقش‌آفرینی بحران‌زا و ویرانگر مؤثرین و رهبران اهل سنت و سلفی‌های تندرو در شهرهای درعا، حماه و حلب، دخالت منفی کشورهای همسایه سوریه، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و ظهور و گسترش جریان‌های تکفیری» سبب شدند که در مدت بسیار کوتاهی این کشور به سمت جنگ داخلی تمام‌عیار سوق یابد (سردارنیا و کیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۲)؛ بنابراین و با توجه به میدان‌داری بعدی داعش، در اسلام‌خواهی اصیل مبتنی بر بیداری اسلامی حرکات اعتراضی در سوریه، تردیدهای جدی در میان محققین ایجاد شده است.

۲-۲- شاخص ایجابی تطابق حداکثری نهادها با دین اسلام و مطالبات مردم

در این شاخص جنبش اعتراضی در سوریه به قدرت دست نیافت تا قابل ارزیابی باشد. دولت سوریه یک دولت سکولار اعلام شده است.

۲-۳- شاخص ایجابی ایفای نقش تعیین‌کننده مردم مسلمان و آگاه شده و مردمی بودن

جنبش سوریه (بیداری توده‌های مسلمان)

عامل بیداری مردمی در اعتراضات سوریه کم‌رنگ جلوه کرده است. در بیشتر کشورهای عربی و به‌خصوص مصر، جغرافیای حرکات اعتراضی به‌صورت متمرکز و در شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها مانند پایتخت‌های پرجمعیت بوده است ولی در سوریه پس از گذشت سال‌ها از بحران سیاسی، معارضه موفق به بسیج توده‌ها و اقدامات اعتراض‌آمیز سلمیه در دمشق، حلب و کلان‌شهرهای سوریه نشده است (سایت بی‌بی‌سی، ۲۰۱۱). معارضه سوریه در موارد متعدد عملاً در کشاندن تظاهرات به دمشق به‌عنوان پایتخت سیاسی و حلب به‌عنوان قلب اقتصادی سوریه ناموفق و به همین دلیل دست به خشونت عریان می‌زد. همچنین کانون‌های اعتراضی و فعالیت مخالفان و معارضان اغلب در مناطق مرزی (مرز با اردن، عراق و خصوصاً مرز با ترکیه) و در شهرهای کوچک و حومه کلان‌شهرها و روستاها (انقلاب روستا) بوده است (دوران، ۲۰۱۱) این متغیر در نوع خود با دیگر تحولات رخ داده

در مصر و تونس و لیبی، بحرین و یمن متفاوت بوده است.

۲-۴- شاخص ایجابی نقش آفرینی احزاب و گروه‌های اصیل اسلامی داخلی بدون وابستگی به اجانب و استعمارگران گروه‌های اسلامی و جریان‌ات سلفی

در جنبش مردمی مصر، جریان‌ات اسلامی و حضور آن‌ها در این خیزش‌ها توسط رسانه‌های فرا منطقه‌ای به عنوان خط قرمز مطرح بوده و قدرت‌های خارجی تلاش داشتند جریان جوانان معارض را از گروه‌های اسلامی و جریان‌ات مذهبی سلفی به‌راسانند. رسانه‌های گروهی غرب مدام جهان عرب را از خطر جریان‌ات اسلامی (حتی میانه‌روها) و رسیدن آن‌ها به قدرت می‌ترساندند. در داخل سیاست‌گذاران ایالات متحده یک جریان روشن و قوی وجود دارد که معتقد است جنبش‌های اسلامی اگرچه مدعی اصلاحات دموکراتیک هستند، اما در اصل نیروهای دموکراتیکی نیستند و بنابراین، ادغام آن‌ها در روند سیاسی در جهان عرب بسیار خطرناک خواهد بود (حمزوی، ۲۰۰۵: ۱)؛ زیرا اگر آن‌ها به یک بازیگر اصلی سیاسی تبدیل شوند، برخلاف قواعد بازی دموکراتیک خواهند بود و همچنین از به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل سرباز خواهند زد. به‌عنوان نمونه اگر اسلام‌گرایان مثلاً در مصر به قدرت برسند، علیه معاهده صلح مصر و اسرائیل اقدام خواهند کرد (حمزوی، ۲۰۰۵: ۲)؛ درحالی‌که غرب دست جریان‌ات سلفی و وهابی افراطی در سوریه را باز کرده و دیگر معارضه سوریه را به اتحاد و ائتلاف با این جریان‌ات تشویق می‌کرد. در سوریه تظاهرات و اقدامات مخالفان پراکنده و کم حجم بوده است و هیچگاه معارضه سوریه نتوانسته جمعیت زیادی از هواداران خود را بسیج و جمع‌آوری کند (طاهری، ۱۴۰۰).

۲-۵- شاخص ایجابی ایفای نقش علمای اصیل اسلامی و خواص و دانشمندان

دیدگاه محافل آکادمیک و دانشگاهی و روشنفکران سوریه درباره تحولات: در سوریه جریان معارضه حتی به ندرت هم موفق به جذب و تحریک قشر دانشجویی، روشنفکری و آکادمیک نشد. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و علمی سوریه پس از شروع بحران و در ادامه آن، روند عادی خود را طی کردند و حتی یک روز نیز (به علل اعتراضات سیاسی نه تهدیدات امنیتی و نظامی) تعطیل نبوده و وضعیت تدریس و امتحانات مانند گذشته عادی و طبیعی بوده است (الماردینی، ۲۰۱۳).

۲-۶- شاخص ایجابی تأکید بر آرمان فلسطین و مبارزات ضد صهیونیستی

در تحولات بیشتر کشورهای عربی و خصوصاً مصر، نقش عامل خارجی (مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی) به سود حکومت‌ها بوده اما از ابتدای شروع تحولات سوریه، حضور و نقش طرف‌های خارجی (محور غربی - عبری) در تشدید روند تحولات این کشور پررنگ و فعال و علیه حکومت سوریه عمل کرده است. این متغیر در شکل‌گیری، حمایت و مدیریت معارضین داخلی سوریه، نقش آفرین و بسیار مؤثر بوده است و نقش مهمی در تحریک و هدایت مخالفان خارج نشین داشته است (الخیرالله، ۲۰۱۲: ۲). این حمایت‌های کشورهای همسایه (ترکیه و اردن و خصوصاً رژیم صهیونیستی) منطقه‌ای (عربستان، قطر، امارات و کشورهای عضو اتحادیه عرب) و فرامنطقه‌ای (آمریکا و اروپا) شامل حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، مالی و حتی آموزش و سازمان‌دهی بوده (در مورد رژیم صهیونیستی درمانی و پزشکی) و نقش بسیار مهم و مؤثری در تشدید تنش و تداوم بحران در سوریه داشته است. عامل خارجی در بعضی مقاطع حتی بر استفاده از زور عریان علیه حکومت سوریه علناً تأکید می‌نمود و آمریکا و رژیم صهیونیستی بارها به مراکز سوریه حمله کردند (عطایی، ۱۳۹۶) در این زمینه کمترین موضع‌گیری سیاسی و تبلیغاتی گروه‌ها و معارضین دولت سوریه علیه اسرائیل چه در مذاکرات رسمی، چه در مواضع و اعلامیه‌ها و چه در تبلیغات رسانه‌ای مشاهده نگردید که عکس آن صدق کرده و این معارضین از حمایت‌های پیدا و پنهان رژیم صهیونیستی برخوردار بوده‌اند (سایت قدسنا، ۱۳۹۷).

۲-۷- شاخص سلبی عدم اعمال خشونت (جنبش مبتنی بر آگاهی اسلامی مردم و

نخبگان)

در اعتراضات مصر، شیوه مبارزه مخالفان و معترضان تا حد زیادی مسالمت‌آمیز و سیاسی و غیرمسلحانه بوده ولی جریان معارضه سوریه، از همان آغاز سقف مطالبات خود و شیوه مبارزاتی خود را به سمت وسوی براندازی سخت دولت سوریه و با شیوه‌های خشونت‌آمیز، امنیتی و حتی نظامی سوق دادند. در سوریه برخلاف کشورهای دیگر، کاربرد خشونت در میان مخالفان نیز بسیار قابل توجه بوده است (Akal, 2011) روی آوردن مخالفان به سمت مسلح شدن بیشتر و عملیات مسلحانه علیه وابستگان حکومت ویژگی خاص تحولات سوریه بود که از همان اوایل اعتراضات خود را

نمایان کرد این در حالی است که بخشی از جریان معارضة سوری الاصل که مستقل و تحت تأثیر عامل خارجی نبوده، شیوه سیاسی و مبارزه مسالمت آمیز اتخاذ کرده بود و هنوز نیز به دنبال اصلاحات بدون خشونت هستند.

۲-۸- شاخص سلبی عدم انتخاب شعار مذهب پایه و نمادگرایی فرقه گرانه

قومی و مذهب پایه شدن جنبش سوریه و انتخاب شعارهایی با محتوای طایفه‌ای و فرقه‌گرایانه توسط معارضین؛ در شروع اعتراضات و تحولات سوریه شعارهایی با مضامین طایفه‌ای (مذهب‌گرایانه) و فرقه‌ای سر داده می‌شد (الثوره السوریه الهتافات الطائفیه، ۲۰۱۱)؛ درحالی که اینگونه شعارها در اعتراضات مصر و تونس به هیچ عنوان مطرح نشده بود. معترضین در سوریه که پس از مدت کوتاهی دامنه اعتراضات را مسلحانه کردند، به دلایل متعدد و با تبلیغات حجیم و پررنگ، موارد طایفی و مذهبی را جزو مطالبات خود مطرح و بر آن تأکید می‌ورزیدند (زارعان، ۱۳۹۲: ۲۷)؛ ولی راه‌اندازی جنگ فرقه‌ای در سوریه به اندازه عراق موفق نبود. سبب اول اینکه اکثریت اهل سنت (داخل سوریه) از این شیوه حمایت نکردند و دوم شاید به این علت که رژیم حاکم بر سوریه باهوش تر بود و تجربیات بیشتری در صحنه سیاسی عربی (مشخصاً در زمان ریاست جمهوری حافظ اسد) کسب کرده بود (سلمان، ۲۰۱۶). سران اپوزیسیون در برابر اوج‌گیری شعارهای فرقه‌ای که به مرور در راهپیمایی‌ها در حال پررنگ شدن بود نه تنها ساکت بودند که حتی خود نیز از همان ادبیات استفاده می‌کردند. شعار «علوی‌ها در تابوت، مسیحی‌ها به بیروت» (العلوی عالتابوت والمسیحی عالیروت) در راهپیمایی‌های ضد دولتی بلندتر سر داده می‌شد (عطایی، ۱۳۹۶) در سوریه استثنائی وجود داشت و تأکید معارضة بر عامل مذهبی و چیرگی گفتمان طایفه‌ای پررنگ تر بوده است که ماهیت حوادث سوریه را از دیگر تحولات شمال آفریقا و کشورهای عربی و مصر متمایز می‌کرد. هرچند در سوریه شکاف مذهبی مانند جوامع متکثر، وجود داشت، ولی از نوع شکاف طبیعی و غیرفعال بوده است (زارعان، ۱۳۹۲: ۳۱). در تاریخ معاصر دو جریان اخوانی و سلفی (با انواع طیف‌های آن) با دلایل عقیدتی و گفتمانی از هم جدا و همواره در حالت تضاد و تقابل بسر می‌بردند ولی در سوریه جریان اخوانی و جریان سلفی در جبهه ائتلافی مشترک علیه نظام سیاسی دمشق فعالیت می‌کردند. تنها در سوریه، نوعی ائتلاف مصلحتی میان جریان اسلامی از نوع تندروها و لیبرالی معارض سوریه، به وجود آمده بود که معارضان لیبرالی و لائیک سوریه غرب نشین متحد و شریک

جریان اخوانی سوریه علیه حکومت فعالیت می‌کردند.

۲-۹- شاخص سلبی عدم وابستگی جنبش‌های اصیل به استعمار غرب (استقلال جنبش):

بیان مطالبات سیاست خارجی بجای داخلی در اعتراضات سوریه

در کشور مصر شعارهای اعلام‌شده توسط اکثریت متظاهرین، بیان مطالبات و خواسته‌های اصلاح سیاست‌های داخلی حکومت از قبیل ایجاد عدالت و رفع تبعیض بوده است. بعضی از کارشناسان در این زمینه معتقدند اعتراضات، طرح جدید غرب و آمریکا در بازنگری مناسبات کهنه قدرت در منطقه با بهره‌گیری از حرکت‌های عمومی و تلاش در مدیریت آن بود (کاظم أبودوح، ۲۰۱۱: ۱۱۸).

در سوریه از همان ابتدای شروع تحولات سیاسی، شعارهای مطرح شده توسط معارضة، مرتبط به مسائل منطقه‌ای و سیاست خارجی مستقلانه سوریه و علیه کشورهای متحد سوریه بوده است. در آن سوی خط و نقطه مقابل، معارضة سوریه بعضاً شعارهایی به نفع رقبای طرف‌های منطقه‌ای سوریه که نقش جدی در شروع و تداوم بحران سوریه ایفا می‌نمودند همچون سعودی، ترکیه، قطر و حتی آمریکا نیز مطرح می‌کردند که نشان از غیرمستقل بودن و وابستگی معارضة به طرف‌های خارجی داشت. در این زمینه پادشاهی عربستان سعودی از هیچ کمکی حتی نظامی به نفع معارضین سوری دریغ نکرد (المعشر، ۲۰۱۳).

۲-۱۰- عدم وابستگی ارتش‌های ملی و اسلامی به خارج و استقلال آنها و دفاع از

تمامیت ارضی کشورهای جهان اسلام

در حرکت اعتراضی مردم مصر، ارتش ابتدا به حمایت از حکومت و در ادامه بی‌طرفی خود را اعلام کرده (علایی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۷) و گاهی هم به عنوان حامی مطالبات مردمی ظاهر شده است و مخالفان علیه ارتش شعار و اقدام نظامی امنیتی انجام نداده بودند و حتی در بعضی اوقات گل هدیه می‌نمودند (نادیه مصطفی، ۲۰۱۱) ولی در سوریه و در همان آغاز بحران مخالفان علیه ارتش شعارهای تقابلی و منفی سر داده و اقدامات خشونت‌آمیز مسلحانه امنیتی انجام دادند و علیه این نهاد و وابستگی آن به حکومت، جریان سازی رسانه‌ای عظیمی راه‌اندازی کردند. با این حال و علیرغم ریزش بخشی از بدنه ارتش، این نهاد تا آخر وفادار به حکومت باقی مانده است.

جدول شماره ۱: مقایسه مؤلفه‌های مشترک مفهوم بیداری اسلامی، با تحولات سیاسی مصر و سوریه

مفاهیم مشترک بیداری اسلامی (سلبی - ایجابی)	تحولات سوریه	تحولات انقلاب مصر	تحولات دو کشور و نظریه بیداری اسلامی شاخص‌ها
ایجابی: اعمال تغییر ساختاری حداکثری و یا انطباق ساختارها با دین مبین اسلام (اسلام خالص و ناب)	تغییرات جدی قانون اساسی و پذیرش سیستم چندحزبی و انتخابات	تغییر حکومت و قانون اساسی و پذیرش چندحزبی و انتخابات به‌عنوان مطالبه بر پایه اسلام	مطالبه تغییرات ساختاری بر پایه اسلام اصیل
ایجابی: تطابق حداکثری نهادها با دین اسلام و مطالبات مردم	تغییر نهادی در برخی بندهای قانون اساسی بر پایه اسلام و آراء مردم صورت پذیرفت	در زمینه تغییرات نهادی تغییر تعداد اندکی از نهادها بر پایه اسلام و مردم صورت گرفت	مطالبه تغییرات نهادی بر پایه اسلام و نظر مردم
ایجابی: ایفای نقش تعیین‌کننده مردم مسلمان و آگاه شده (بیداری)	عدم پیوستن توده‌های مردم به معارضین مسلح و برعکس حضور پررنگ اجنبی‌ها در تحولات سیاسی و تلاش برای تغییر نظام	حضور مردم بسیار پررنگ در تجمعات میلیونی در شهرهای بزرگ و قاطعیت مردم در وضعیت انقلابی	تعیین‌کنندگی نقش مردم (بیداری)
ایجابی: ایفای نقش علمای اصیل اسلامی و خواص و دانشگاهیان	عدم پیوستن علمای بزرگ کشور و نخبگان و دانشگاهیان به معارضین مسلح و برعکس حضور پررنگ اجنبی‌ها	حضور علما و نخبگان و دانشجویان بسیار پررنگ در حمایت از جنبش	نقش علما و نخبگان
ایجابی: نقش‌آفرینی احزاب و گروه‌های اصیل اسلامی بدون وابستگی به اجانب و استعمارگران	نقش‌آفرینی اولیه نظامیان جداشده و گروه‌های خلق‌الساعه وابسته به خارج	نقش‌آفرینی گروه قدیمی اخوان المسلمین، دارای پشتوانه قدیمی و قوی تاریخی	نقش‌آفرینی احزاب و گروه‌های اصیل اسلامی

ادامه جدول شماره ۱: مقایسه مؤلفه‌های مشترک مفهوم بیداری اسلامی، با تحولات سیاسی مصر و سوریه

مفاهیم مشترک بیداری اسلامی (سلبی - ایجابی)	تحولات سوریه	تحولات انقلاب مصر	تحولات دو کشور و نظریه بیداری اسلامی شاخص‌ها
ایجابی: وحدت امت اسلامی با تأکید بر ایدئولوژی اسلام اصیل و ناب	ایدئولوژی سلفی تکفیری افراطی با تأکید بر فرقه‌گرایی و عدم انسجام و وحدت بین گروه‌ها و جریان‌ها	ایدئولوژی اسلامی بدون تأکید بر افراط یا فرقه‌گرایی و انسجام نسبی	نقش ایدئولوژی
ایجابی: ایفای نقش مسلمانان در معادلات سرنوشت‌ساز منطقه‌ای و جهانی	عدم تعارض با رژیم و حتی برخورداری بعضی از گروه‌ها از حمایت رژیم در جولان	ایفای نقش اولیه در بستن سفارت رژیم صهیونیستی	ایفای نقش فراملی و فرا منطقه‌ای
ایجابی: تأکید بر آرمان آزادی فلسطین و مبارزات ضد صهیونیستی	عدم ضدیت با رژیم صهیونیستی و در مواردی برخورداری از حمایت و پشتیبانی	ضد صهیونیستی بودن جنبش در شعارها و تسخیر سفارت اسرائیل و قطع رابطه اولیه	آرمان آزادی فلسطین
سلبی: عدم اعمال خشونت (جنبش مبتنی بر آگاهی مردم و نجبگان)	خشونت سنگین و عریان و درگیری مسلحانه معارضین از ابتدا و استفاده از مشی مسلحانه	عدم ابراز خشونت قابل توجه و عریان و استفاده از مشی مسالمت‌آمیز انقلابی	جلوه اصلی جنبش؛ مسالمت‌آمیز یا خشونت‌گرا
سلبی: عدم انتخاب شعار مذهب پایه و نمادگرایی فرقه‌گرا	بالاترین حد از فرقه‌گرایی و تکفیر و نمادسازی غیریت	عدم تأکید بر فرقه‌گرایی و تکفیر گروه‌ها	شعارهای جنبش
سلبی: عدم وابستگی جنبش‌های اصیل به غرب (استقلال جنبش)	وابستگی حرکت به غرب و قدرت‌های منطقه‌ای و ضدیت شدید سیاسی و رسانه‌ای با حکومت غیر وابسته سوریه	استقلال نسبی جنبش و حمایت اولیه غرب از مبارک	استقلال یا وابستگی به خارج

ادامه جدول شماره ۱: مقایسه مؤلفه‌های مشترک مفهوم بیداری اسلامی، با تحولات سیاسی مصر و سوریه

مفاهیم مشترک بیداری اسلامی (سلبی - ایجابی)	تحولات سوریه	تحولات انقلاب مصر	تحولات دو کشور و نظریه بیداری اسلامی
			شاخص‌ها
سلبی: عدم وابستگی ارتش‌های ملی و اسلامی به خارج و استقلال آن‌ها و ضرورت دفاع از تمامیت ارضی کشورهای جهان اسلام	حمایت ارتش از حکومت به دلیل ماهیت وابسته معارضین به خارج و تمایل معارضین به جدایی طلبی و تجزیه	بی‌طرفی اولیه و پیوستن ارتش و تأکید بر تمامیت ارضی توسط انقلابیون و مردم	نقش ارتش

(منبع: محقق ساخته)

نتیجه‌گیری

با عنایت و بذل توجه به مسئله اصلی مقاله، حال در جدول فوق و با تطابق ویژگی‌های اختصاصی تحولات سیاسی مصر خصوصاً جنبش اعتراضی اوایل سال ۲۰۱۱ با شاخص‌های مفهوم بیداری اسلامی، مشاهده گردید که بیشترین همپوشانی با شاخص‌های مهم ایجابی نظریه بیداری اسلامی را دارا است. همچنین در بخش سلبی به دلایل پیش‌گفته از جمله بافت غیر قومی و غیرفرقه‌گرای جمعیتی مصر، تأکید بر ضد استکباری و ضد صهیونیستی بودن جنبش، عدم اعمال خشونت عربان و عدم کشاندن جنبش به جنگ داخلی و عدم وابستگی آشکار حرکت اعتراضی به طرف‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، در یک نگاه اولیه، جنبش از یک اصالت ذاتی و «شبهات بالای گفتمانی» با مخرج مشترک نظریات سه شخصیت تأثیرگذار جهان اسلام در زمینه بیداری اسلامی برخوردار و توانست در مدت کوتاهی به اهداف اولیه مبنی بر برکناری و سقوط دیکتاتوری مصر برسد؛ اما در تحولات اعتراضی کشور سوریه با بررسی و مطالعه تطبیقی بین شاخص‌های مشترک استخراج شده از چارچوب مفهومی بیداری اسلامی و ویژگی‌های خاص حرکات مسلحانه اعتراضی سوریه در جدول فوق، چه در بخش ایجابی و چه در مؤلفه‌های سلبی، نه تنها به حد مناسبی از تطابق

شاخص‌ها برنمی‌خوریم، بلکه مشاهده می‌شود که از بیشترین درجه مغایرت با شاخص‌های ایجابی و سلبی مفهوم بیداری اسلامی برخوردار است. مواردی مانند خشونت‌سنگین اعمالی توسط گروه‌های معارض، فرقه‌گرایی و طایفی کردن جنبش چه در شعارها و چه در رفتار، وابستگی شدید گروه‌های اصلی موجود در صحنه به کشورهای همسایه، طرف‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرا منطقه‌ای، صحنه‌گردانی توسط گروه‌های خلق‌الساعه و علمای تکفیری عموماً غیر سوری، عدم برخورداری از پشتوانه مردمی و نخبگان محافل دانشگاهی خصوصاً در شهرهای بزرگ، عدم تأکید بر وحدت و بالاتر نزاع‌های بی‌پایان بین خود گروه‌های مختلف معارضین، عدم ضدیت با رژیم صهیونیستی و عدم تأکید بر آرمان آزادی فلسطین، نمونه‌های عینی این شاخص‌ها بودند که فاقد همپوشانی گفتمانی با مفهوم بیداری اسلامی می‌باشند.

بنابراین، در نتیجه‌گیری پژوهش، بر اساس مؤلفه و شاخص‌های مشخص‌شده در بخش نظری و چارچوب مفهومی مقاله، فرضیه‌ی مقاله با کاربست مفهوم بیداری اسلامی در تحولات کشور مصر و سوریه تأیید می‌گردد؛ به این صورت که دست یافتن به نتایج متفاوت در کشورهای سوریه و مصر، ناشی از تفاوت در برخورداری از مؤلفه‌های بیداری اسلامی است که هر یک به صورت اختصاصی مورد بررسی و تحلیل تطبیقی قرار گرفت. در تطابق تحولات مصر و سوریه، این نتیجه به دست می‌آید که تحولات درون‌زای کشور مصر (که بر اساس شباهت بالا با مفهوم بیداری اسلامی) شکل گرفته بود، با تحولات برون‌افزا و مدیریت‌شده سوریه (که عمدتاً بر اساس دخالت‌های خارجی براندازانه) سازماندهی شده بود، از یکسانی و شباهت مفهومی برخوردار نبوده و متفاوت بودند. به طریق اولی و با نتیجه حاصله از تحقیق، می‌توان در پژوهش‌های آتی به توضیح چرایی حمایت هم‌زمان از جنبش اصیل اعتراضی مردم مصر، در سیاست کلان جمهوری اسلامی که با مفهوم بیداری اسلامی تطابق داشته و در عین حال هم‌زمان حمایت ایران از حکومت سوریه در مقابل موج بحران از خارج مدیریت شده به این کشور، پرداخته شود.

منابع

الف- منابع فارسی

- اسد آبادی، سید جمال (۱۳۶۰)، *گزیده عروه‌الوثقی*، ترجمه عبدالله سمند، تهران: مولی.

- امام جمعه زاده، سید جواد و دیگران (۱۳۹۳)، «دومینوی تحولات بهار عربی در بستر جهانی شدن و توسعه ارتباطات»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۴، شماره ۲۸.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، ج ۲، ج ۶، ج ۱۰، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آلترمن، جان بی (۱۳۹۵)، *افراط‌گرایی مذهبی پس از قیام‌های عربی*، مترجم امیرفاطمی صدر، ابوالقاسم راه‌جمنی و جمیله کوکبی، تهران، نشر بین‌المللی الهدی.
- پورسعید، فرهاد (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۵۲.
- توانا، محمدمعلی و میرحسینی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی افراط‌گرایی و اعتدال‌گرایی در جنبش اخوان المسلمین مصر»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۳، شماره ۱.
- حبیب‌اللهی مهدی، مسعودنیا، مهدی، (۱۳۹۵)، «رویکرد سه‌گانه حمایت، وساطت و مداخله آمریکا: مقایسه مصر جدید و ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۳۴.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۵۴)، *یادنامه سید جمال‌الدین اسدآبادی*، قم: دارالعلم.
- دهقان، یدالله، کتابی، محمود، جعفری نژاد، مسعود (۱۳۹۶)، «بررسی نقش جنبش اخوان المسلمین در بحران سوریه»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۵، شماره ۱.
- زارعان، احمد (۱۳۹۲)، «سنخ‌شناسی شکاف‌های اجتماعی در سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی *جهان اسلام*؛ سال چهاردهم، ش ۴.
- سردارنیا، خلیل‌الله، کیانی، فائزه (۱۳۹۵)، «تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۴، شماره ۱.

- سیفی ناجی، افسانه، جمشیدی محمدحسن، اسلامی محسن (۱۳۹۶)، «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۵، شماره ۱.
- صالحی، سید جواد (۱۳۹۱)، «منحنی تحولات اصلاحی در سوریه و تحلیل نقش اپوزیسیون در این کشور»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال نوزدهم، ش ۷۰*.
- صفایی، ابراهیم (بی تا)، سید جمال‌الدین اسد افغانی، بی جا: شرق.
- علایی، حسین، (۱۳۹۱). نقش و جایگاه سیاسی ارتش در مصر. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، دوره ۱۳، شماره ۵۰.
- فرجی نصیری، شهریار؛ مسعودنیا، حسین؛ هرسیج، حسین (۱۳۹۴)، «نقش طبقه متوسط جدید در انقلاب ۲۰۱۱»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۴، شماره ۲.
- فلاح زاده، محمدهادی (۱۳۸۴)؛ جمهوری عربی مصر؛ تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- قزل سفلی، محمدتقی، فرخی، سمیه (۱۳۹۲)، «پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، دوره ۱، شماره ۲.
- قطب، سید (۱۳۸۱)، *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه: خسروشاهی، قم: مرکز البحوث العالمیه.
- قطب، سید (۱۳۶۷)، *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران، بی تا.
- قطب، محمد (۱۳۷۴)، *بیداری اسلامی*، ترجمه صباح زنگنه، تهران، انتشارات اطلاعات.
- مجموعه مقالات (۱۳۸۳)، سید جمال‌الدین و نهضت بیداری اسلامی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی.

- مجیدی، حسن، نیکی ملکی، محمد (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوی کیفی اخبار خبرگزاری‌ها درباره تحولات مصر از ۲۷ دی تا ۲۳ بهمن»، نشریه رسانه، سال بیست و سوم، شماره ۲.
- محمدی، محسن (رقبا)، «جریان شناسی نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام- با تمرکز بر بیداری اسامی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، نشریه پژوهش‌های منطق‌های، شماره ۶.
- مدرس چهاردهی، مرتضی (۱۳۴۴)، آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی، تهران: اقبال.
- موسوی، محمد، توتی، حسینعلی، موسوی، محمدرضا (۱۳۹۱) «تحولات انقلابی مصر و جایگاه اسرائیل در منطقه» فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۰.

ب- منابع انگلیسی

- Akl, May (April, 19, 2011). "The false hope of revolution in syria", available in: <http://mideast.Foreign policy>.
- Greetz, (1973), *Religion as a Culture System' in the Inter National Culture*, New York, Book
- Azzam, maha (2011), "Islamism: extremists or Democrats"? in the Arab Spring, London: Conservative Middle East Council.
- Osman. Tarek. (2010), *Egypt on the Brink: From Nasser to Mubarak*, Yale University press, New Haven and London.

پ- منابع عربی

- باسم حسین الزیدی (۲۰۱۱)؛ الثورة السوریة: الشعارات و هتافات طائفیة ضد الأقلیات فی مختلف المحافظات التي شهدت تظاهرات، من أجل إرهاب وترویح الأقلیات الشیعیة العلویة والمسیحیة. dailymotion.com

- باسم حسین الزیدی (۲۰۱۲)، *أسلاميو مصر والتحول البراغماتي* - ۱۲-۷-۲۰۱۲.annaba.org.
- بهجت، جودت (۲۰۱۱)، *يحكم مصر المجلس الأعلى للقوات المسلحة، مركز الجزيرة للدراسات.*
- توفيق ابراهيم، حسنين (۲۰۱۱)، «ازمة نظام المصرى التوازن بين السلطات ومعطله الشرعيه» برگرفته از پایگاه الجزيرة.
- حمزوى، العمرو (۲۰۰۵)؛ هل تبدأ أمريكا حوارا حقيقيا مع الإسلاميين؟ SWI swissinfo.ch الوحدة الدولية التابعة لهيئة الإذاعة والتلفزيون السويسرية (SRI).
- الخير الله، داود (۲۰۱۲)؛ «دور العناصر الخارجية فى الأزمة السورية» جريده الاخبار؛ الرقم: ۶۷۸۲۹.
- دوران، ميشل (۲۰۱۱)؛ *مقال تأثر الوضع فى سوريا، مؤسسه بروكينغز العربى.*
- زياده ياسر (۲۰۱۵)، *تحديات السياسة الخارجية المصرية؛ المعهد المصرى للدراسات.*
- الزیدی، باسم حسین (۲۰۱۲)، *أسلاميو مصر والتحول البراغماتي* - ۱۲-۷-۲۰۱۲.annaba.org.
- سلمان، طلال (۲۰۱۶)، *من سوريا إلى العراق وبالعكس: عن حروب الطائفية والمذهبية على العروبة، جريدة السفير بتاريخ ۲۰۱۶-۱۰-۲۶ على الصفحة رقم ۱۱ - قضايا وآراء.*
- سمير الحجوى، سمير (۲۰۱۵)، *المواجهة الكبرى فى سوريا، الشرق، قطر، الرقم المقال: ۱۱۰۸۵۰.*
- الشوربجي، منار (۲۰۱۱)، *العلاقات المصرية الامريكىه كيف يصنع القرار، برگرفته از پایگاه الجزيرة.*
- عبدالفتاح، منى (۲۰۱۱)، *ثورة مصريين القومية العربيه والمغالبة السلميه، برگرفته از پایگاه الجزيرة.*
- على حسن، عمار (۲۰۰۹)؛ *اسلاميون والاصلاح السياسى فى مصر، العربيه للعلوم السياسيه، العدد ۲۳.*
- قطب، سيد (۱۴۱۳)، *مركزنا مع اليهود، بيروت: دارالشرق.*

- قطب، سید (۱۹۸۲)، فی ظلال القرآن الکریم، بیروت و قاهره: دارالشروق.
- قطب، سید (۲۰۰۷). خصائص التصور الاسلامی و مقوماته، بیروت و قاهره: دارالشروق.
- قطب، سید (۲۰۰۱)، العالمی و السلام و العالم القاهره، دارالشرق
- کاظم ابودوح، خالد (۲۰۱۱)، ثورة ۲۵ كانون الثاني يناير في مصر، المستقبل العربي، العدد ۳۹۷.
- مروان المعشر (۲۰۱۳) الصحوة العربية في عامها الرابع، مؤسسة كارنيغي، حول شؤون الشرق الأوسط، الرقم: ۵۳۹۲۷.
- مطر، جميل (۲۰۱۱)، الثورة المصرية الخلفيات والبدایات، المستقبل العربي، العدد ۳۸۵.
- نادیة مصطفی (۲۰۱۱) الثورة المصرية نموذجاً حضارياً، القاهرة: مركز الحضارة للدراسات السياسية.

ت- منابع اینترنتی

- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰)، مجموعه‌ی بیانات، آخرین تاریخ به روز رسانی khamenei.ir:۱۴۰۰/۱۲/۱۶.
- طاهری، طاهر، (۱۴۰۰)؛ جریان شناسی گروه های فعال معارضین در سوریه، آخرین تاریخ به روز رسانی csr.ir:۱۴۰۱/۸/۱۹.
- عاملی، سعید رضا (۲۰۱۸)، بیداری اسلامی یا بهار عربی؟ نام گذاری، جهت گیری و هویت بیداری اسلامی جامعه، farhangeeslami.com.
- عطایی، محمد، (۱۳۹۶)؛ سه نه و سه درس بحران سوریه برای ایران، آخرین تاریخ به روز رسانی irdiplomacy.ir:۱۴۰۱/۷/۱۱.

- قدسنا (۱۳۹۷) به نقل از نشریه فارن پالیسی اسرائیل از ۱۲ گروه تروریستی،
www.qodsna.com/1401/10/26
- قدسنا (۱۴۰۱) در جنوب سوریه حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کرد، آخرین تاریخ به روز رسانی
www.qodsna.com/6: ر: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶
- ملکی، عباس، (۱۳۹۰)، «بهارعربی، بیداری عربی؛ بیداری اسلامی»، آخرین تاریخ به روز رسانی
www.hamshahrionline.ir: ۱۴۰۱/۸/۲۶ .